

حق داشتن وکیل در اسلام و حقوق بین المللی بشر با تأکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی

تاریخ دریافت ۹۳/۱۲/۱۲ - تاریخ پذیرش ۹۴/۵/۱۳

مصطفی فاضائی^۱

ابراهیم ملاکه^۲

چکیده

حق داشتن وکیل یکی از ابزارهای دفاعی متهم به شمار می آید که به وسیله آن شخص فرصت اثبات بهتر بی گناهی یا دفاع از حقوق خویش را خواهد یافت. برآیند اعمال این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی جلوگیری از اجحاف نسبت به حقوق متهم و حفظ کرامت انسانی وی می باشد. در این رهگذر بیان دیدگاه های اسلام، به عنوان مکتبی که مبین و پاسدار ارزش های اخلاقی و حقوق انسانی در بالاترین سطح ممکن مطابق با فلسفه وجودی و غایت حیات آدمی است، در کنار سنجش اسناد و موازین بین المللی برآمده از تجارب و اندیشه های بشری می تواند به لحاظ علمی و کاربردی متضمن نتایج ارزشمندی باشد. در نوشتار پیش رو، ضمن نگاهی کلی به رویکرد حقوق اسلام و حقوق بین المللی بشر پیرامون حق داشتن وکیل، این مسأله بررسی شده است که بر مبنای این دو نظام میزان قابلیت اعمال این حق و چگونگی تضمین آن در مرحله تحقیقات مقدماتی به چه صورت قابل تحلیل است. از سوی دیگر وکیل به عنوان دادرس متهم چه معیارهای رفتاری ای به ویژه در مرحله مقدماتی فرآیند دادرسی باید رعایت نماید، تا از موازین اسلامی و بین المللی تخطی نکرده باشد.

واژگان کلیدی: حق داشتن وکیل، تحقیقات مقدماتی، حقوق اسلام، حقوق بین المللی بشر، دادرسی منصفانه.

۱. دانشیار گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤول) رایانامه: m-fazaeli@qom.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم



مقدمه

و کالت از مهم‌ترین نهادهایی است که در فرآیند تحقق عدالت می‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد. حضور وکیل در محاکمات قضایی به ویژه در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، که پرونده در حال شکل‌گیری است، سبب تسهیل کشف حقیقت و پیشگیری از اجحاف و نقض حقوق شهروندان تا حد قابل توجهی خواهد شد.

ضرورت و اهمیت حق دفاع موجب شده است تا نظام‌های حقوقی و قضایی پیشرفته به دیده‌ی یک رکن مهم دادرسی منصفانه به آن بنگرند، و حقوق بین‌الملل به طور عام و نظام بین‌المللی حقوق بشر به طور خاص شناسایی و تضمین آن را مورد توجه قرار دهند. طبیعی است دکترین و نظام حقوقی و قضایی اسلام که بر پایه‌ی عدالت بنیان نهاده شده است، توجه و اهتمام فراوانی به این امر داشته باشد. در منابع اسلامی، آیات و روایات فراوانی بر اهمیت و ضرورت حفظ این حق برای متهم دلالت دارند. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری به این موضوع پرداخته و سعی کرده‌اند تا بسترهای لازم را برای وکلا جهت ایفای بهتر رسالت خود، به خصوص در مراحل مقدماتی و بدوی رسیدگی فراهم آورند. از این رو، حضور وکیل مدافع در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، از حقوق مهم و اولیه‌ی متهمین است.

چگونگی شناسایی و تضمین این حق در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی از یک سو و میزان نقش و امکان مشارکت وکیل در مرحله مقدماتی، حق برخورداری افراد معسر از وکیل تسخیری، دسترسی متهمین در بازجویی‌های مقدماتی به وکیل، رفتار حرفه‌ای وکیل در تحقیقات مقدماتی و همچنین آثار عدم رعایت این حق و شیوه‌های جبران خسارت، در دیدگاه اسلام و حقوق بین‌المللی بشر، مقصود نگارندگان از این پژوهش بوده است.





۱. مفاهیم

۱-۱. تبارشناسی لغوی و اصطلاحی واژه‌ی وکیل

وکیل در اذهان عمومی، شخصی است که عهده‌دار نمایندگی افراد در امور مختلف است، اما «وکالت در لغت به معنای واگذار کردن، اعتماد و تکیه کردن به دیگری است». (معطوف، ۱۳۶۲: ۹۱۶) همچنین وکیل این گونه نیز تعریف شده است: کسی که کاری به وی واگذار شده، مباشر، کار گزار، نایب، جانشین، خلیفه، قائم مقام؛ کسی که به موجب قراردادی از طرف شخص رشید دیگری برای انجام امری تعیین یا نایب شده است، بدون آنکه اختیار انجام آن امر از منوب عنه ساقط شده باشد (خوری شرتونی، ۱۹۸۹: ۱۴۸۳؛ وجدی، بی تا: ۸۱۰؛ دهخدا، ۱۳۴۳: ۴۲۵)

در زبان فرانسه برای وکیل از اصطلاح "avocat" استفاده می شود، یعنی کسی که به عنوان مشاور در مسایل حقوقی عمل می کند و ادعای دفاع از متهم را در دادگاه دارد (http://www.thecanadianencyclopedia.ca/fr/search/?keyword=avocat) در زبان انگلیسی لغات متعددی برای وکیل وضع شده است، ولی واژه‌ی "lawyer"، که در لغت به معنی حقوق دان است، رواج بیشتری دارد. وکلا در این کشور به دو دسته باریسترها^۱ و سولیسترها^۲ تقسیم می شوند.^۳ باتوجه به تعاریف لغوی می توان گفت «وکیل کسی است که از طرف دیگری به موجب عقد وکالت مأمور در انجام امری است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۵۵)، و با اختیاری که از جانب موکل به وی داده شده، به امور جاری او رسیدگی می کند. اما وکیل در امور قضایی «اصولاً به کسی اطلاق می شود که پیشه و شغل خود را دفاع و تعقیب دعاوی نزد محاکم قرارداده و در مسایل مطر اظهار نظر نماید». (بی نام،

حق داشتن وکیل در نظام حقوقی بین المللی شریکدین و عدالت قضائی

1. barristers
2. solicitors

۳. تفاوت اصلی میان باریسترها و سولیسترها در این است که باریسترها اصولاً وظیفه‌ی دفاع از افراد را در دادگاه برعهده دارند، اما سولیسترها عمدتاً کارهای حقوقی خارج از دادگاه را انجام می دهند. البته در هر دو مورد استثنایی هم وجود دارد. برای مطالعه در این زمینه ر.ک:

John Hunt, Working with Barristers, 2nd Edition, 2007 THE LAW SOCIETY OF NEW SOUTH WALES, available at: <https://www.lawsociety.com.au/cs/groups/public/documents/internetcontent/026515.pdf>





۱۳۲۷: ۳۲) و یا «واگذاری اختیار از شخصی به شخصی دیگر که به جای او طرح دعوا نماید یا در برابر محکمه‌ای که علیه او طرح دعوا شده پاسخگو باشد». (شفیق العانی، ۱۹۵۰: ۵۷۶) باتوجه به تعاریف مزبور می‌توان گفت وکیل مدافع شخصیتی است که در دعاوی حقوقی یا جزایی از طرف یکی از اصحاب دعوا در دادگاه وظیفه‌ی دفاع یا پیشبرد پرونده‌ی او را برعهده دارد.

۲-۱. مراحل دادرسی و مفهوم تحقیقات مقدماتی

۱-۲-۱. مراحل دادرسی

از آنجا که این پژوهش حق داشتن وکیل را با تأکید بر یکی از مراحل دادرسی یعنی مرحله مقدماتی بررسی می‌کند، اشاره‌ای کوتاه به مراحل مختلف دادرسی شایسته می‌نماید. فاصله‌ی وقوع جرم تا اجرای حکم، به پنج مرحله‌ی مهم تقسیم می‌شود که عبارتند از: کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم. در نخستین مرحله، ضابطین قضایی باید پس از آگاهی از انجام عمل مجرمانه، اقداماتی که برای حفظ آثار و مستندات جرم و پیشگیری از فرار و یا اختفای متهم لازم است، انجام داده و در اسرع وقت مراتب را به دادسرا و یا دادگاه، برحسب مورد، اعلام نمایند. مرحله‌ی دوم شامل عمل تعقیب، تدارک و طرح دعوا علیه شخص یا اشخاصی است که متهم به دخالت در ارتکاب جرم هستند که بر عهده‌ی نهاد دادسرا و زیر نظر دادستان است، که به عنوان مدعی‌العموم جرایم را مورد تعقیب قرار می‌دهد. مرحله‌ی سوم تحقیقات مقدماتی است که در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد. گام چهارم در فرآیند قضایی، رسیدگی به جرم است، که به تصمیم‌گیری پیرامون بی‌گناهی یا گناه‌کاری فرد متهم، تشخیص میزان مسؤولیت، تعیین مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی متناسب با شخصیت وی پرداخته می‌شود. مرحله‌ی نهایی در دادرسی‌های کیفری اجرای حکم است. اگر متهم بی‌گناه شناخته شود، حکم برائت وی اعلام خواهد شد و بلافاصله، به دستور رییس دادگاه اجرا می‌شود و چنانچه متهم در بازداشت باشد، فوری آزاد می‌گردد و چنانچه حکم مبنی بر محکومیت متهم باشد، اجرای آن بر عهده‌ی دادسرا خواهد بود. (خالقی، ۱۳۹۰: ۵۷؛ اردبیلی، ۱۳۹۰: ۸۱)



۱-۲-۲. مفهوم تحقیقات مقدماتی



«تحقیق در لغت به معنای بررسی و پژوهش برای رسیدن به واقع امر است». (معین، ۱۳۸۴: ۱۰۴۰) در اصطلاح عبارت است از «مجموعه‌ای اقدامات و تحقیقاتی که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی بازپرسان، دادستان‌ها یا دادیاران تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور کشف، تسجیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم، با توجه به اصل برائت، صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده‌سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است. صلاحیت هر یک از مقامات یادشده در شروع و ادامه‌ی تحقیقات در قانون مصرح است». (آشوری، ۱۳۸۵: ۹-۱۰) ماده (۹۰) قانون آیین دادرسی کیفری در تعریف تحقیقات مقدماتی چنین بیان می‌دارد «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله‌ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود». با توجه به ماده (۹۲) قانون آیین دادرسی تحقیقات مقدماتی کلیه‌ی جرایم بر عهده‌ی بازپرس است. البته در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری یک نیست، در کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای کلیه‌ی وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر است. با توجه به آنچه بیان شد تحقیقات مقدماتی شامل سه دسته از اعمال قضایی می‌شود: نخست، جمع‌آوری دلایل و قرائن و امارات جرم؛ دوم جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم و امحای آثار و علایم جرم؛ و سوم اظهارنظر درباره‌ی بزهکاری متهم.

۲. ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی

از آنجا که ممکن است ویژگی‌های مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در چگونگی برخورداری از وکیل در این مرحله تأثیر داشته باشند، اشاره به این ویژگی‌ها ضروری می‌نماید. تحقیقات مقدماتی دارای یک سری از ویژگی‌ها از جمله سرعت، غیرعلنی بودن، کتبی بودن و غیرترافعی بودن است. ارتباط این ویژگی‌ها با رعایت حقوق دفاعی متهم باید





مورد توجه واقع شود، و ضابطان دادگستری نسبت به رعایت این موارد توجه کامل را داشته باشند.

۱-۲. سریع بودن

سریع بودن رسیدگی‌ها در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی باید به عنوان یک اصل پذیرفته شود، به شرطی که سرعت، عامل کاهش دقت و از بین رفتن عدالت و حقوق دفاعی متهم نگردد. ماده (۹۴) قانون آیین دادرسی کیفری در این باره مقرر می‌دارد «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع از انجام آن نمی‌شود».

۲-۲. محرمانه بودن

«تحقیقات مقدماتی چه به وسیله‌ی مقام قضایی و چه توسط ضابط قضایی انجام شود باید سری باشد و هر مقامی که در این تحقیقات شرکت می‌کند مکلف به حفظ اسرار آن است. متهمین، شکات و شهود منفرداً بازجویی می‌شوند و نباید از اظهارات یکدیگر اطلاع حاصل کنند. این غیرعلنی بودن تحقیقات، مانع از آن نیست که متهم بتواند یک نفر وکیل رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد» (آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۲)، این حق متهم در مواد (۴۸) و (۱۹۱) قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت درج شده است.

۳-۲. کتبی بودن

تحقیقات مقدماتی به صورت کتبی است، بازجویی از متهم، معاینه و تحقیقات محلی به هر شکلی که باشد، باید به صورت مکتوب تنظیم شود (آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۴) همین مسأله سبب می‌گردد، وکیل که به پرونده متهم دسترسی دارد، با آگاهی از ادله‌ی موجود در پرونده و تحقیقات صورت گرفته یارای دفاع بهتر از موکل خود را داشته باشد. جلوگیری از امحای ادله و تسریع در روند تحقیقات مقدماتی و حسن جریان امور کیفری و پیشگیری از نابود کردن حقوق دفاعی متهم، از امتیازات مکتوب بودن مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد. (آشوری، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶)

۴-۲. غیرترافعی بودن

منظور از غیرترافعی بودن این است که شاکی و متهم یا وکلای آنان به نحوی که در جریان دادرسی دادگاه‌ها می‌گذرد، حضور ندارند. (آشوری، ۱۳۸۵: ۲۷) متهم مکلف



است به پرسش‌ها شخصاً جواب بدهد. (خالقی، ۱۳۹۰: ۱۴۳) بازپرس باید به متهم حق مشورت با وکیل را بدهد، اما دستیابی به وکیل نباید عامل تلقین پاسخ به متهم گردد و متهم با پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده در جلسه حاضر شود.

۳. تحقیقات مقدماتی در نظام دادرسی اسلام

در نظام دادرسی سنتی اسلام بین مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی مرز مشخصی وجود ندارد و «مرحله‌ی تحقیق مقدماتی از مرحله‌ی رسیدگی قطعی تفکیک نشده است. قاضی رسیدگی‌کننده صلاحیت دارد به تمام مراحل رسیدگی کند، حکم بدهد و آن را به موقع اجرا بگذارد». (آخوندی، ۱۳۸۸: ۱۰۴) به بیان دیگر در این نظام دادرسی، قاضی خود نقش ضابط قضایی را عهده‌دار است، یعنی وظیفه‌ی تحقیق، جمع‌آوری دلایل، محاکمه و صدور حکم را به تنهایی انجام می‌دهد. در واقع این سیستم بر مبنای وحدت قاضی بنا شده است. همچنین، «در دادرسی اسلامی، در قضاوت و صدور رأی، اصل تعدد قاضی پذیرفته نشده است... و اجرای این اصل (وحدت قاضی) نیز مقید به وجود شرایط در قاضی از قبیل شرایط اجتهاد و عدالت به مفهوم فقهی و شرعی آن است». (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۳۴) از مزایای این امر سرعت در رسیدگی است و چون قاضی خود به تحقیق می‌پردازد، به جای این که به گزارش دیگران اعتماد کند، احتمال صحت رأی بالاتر و احتمال خطا در آن کمتر خواهد بود. اما امروزه اجرای چنین سیستمی با وجود حجم پرونده‌ها و گسترش انواع و پیچیدگی جرایم عملاً غیرممکن است، لیکن در زمان صدر اسلام طبعاً پاسخگو بوده و به لحاظ رعایت اصول و معیارهای دادرسی عادلانه نیز بسیار پیشرفته بوده است. (فضائی، ۱۳۹۳ الف: ۱۵۹-۱۷۸) اما باید متذکر شویم آیین و تشریفات قضایی، که در واقع همان عدالت شکلی است، تابع شرایط زمان و مکان بوده و طبعاً شریعت اسلام هم که در امور عمومی همواره مقتضیات زمان و مکان را ملحوظ داشته است، تعیین این آیین و تشریفات را به تشخیص فقها در هر زمان و انهاده است. بنابراین، نهاد، آیین و تشریفات قضایی امروزی و تقسیم فرآیند دادرسی به مراحل تخصصی مختلف، می‌تواند موضوعی کاملاً پذیرفتنی در نظام قضایی اسلام باشد. وانگهی، اثبات حق





دسترسی به وکیل در دادرسی سنتی اسلام، که همه‌ی مراحل آن بدون تفکیک بر عهده‌ی قاضی واجد شرایط نهاده شده، متضمن وجود این حق در هر یک از مراحل، در صورت تفکیک هم خواهد بود.

اهمیت برخورداري از وکیل در تحقیقات مقدماتی فزون تر از سایر مراحل است، زیرا شاکله‌ی اصلی پرونده در این مرحله قوام می‌گیرد. از این رو یکی از راه‌های تحصیل حقوق دفاعی متهم، دخالت دادن وکیل مدافع در این مرحله است، وکیل به دلیل احاطه‌ای که بر قانون و حقوق متهم دارد، به نقطه‌ی اتکا و عاملی جهت تحفظ حقوق موکل خود در دادرسی مبدل می‌شود. در واقع اعمال این حق، محاکمات را بیشتر به سوی دادرسی عادلانه سوق می‌دهد.

پایان بخش حقوق اسلام و غیره

۴. جایگاه و اهمیت حق داشتن وکیل در اسلام و اسناد بین‌المللی

وکالت در دعاوی به صورت نهادی قانونی که بنای عقلاء در نخستین جوامع بشری پایه گذار آن بوده است مانند دیگر عقود امضایی مورد قبول شارع مقدس اسلام قرار گرفته است، زیرا در شریعت اسلام نه تنها این شیوه رد و منع نشده، بلکه مورد تأیید برخی نصوص هم واقع شده است. (براری لاریمی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۴۲) بنا بر نظر برخی مفسران قرآن کریم می‌توان از آیه شریفه ۱۰۵ سوره مبارکه نساء در باب امر وکالت استفاده کرد که می‌فرماید «...لَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا»^۱ علامه طباطبایی آیه‌ی مزبور را این گونه تفسیر نموده‌اند «هرگز از خیانت کاران طرفداری نکن، چون «خصیم» یعنی کسی که از ادعای شاکي یا هر چیزی که در حکم دعوی است دفاع می‌کند. یعنی ای پیامبر از خیانت کاران دفاع نکن، بلکه جانب افراد محق را بگیر و عدالت را برقرار نما و مسلماً پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همواره برطبق حق حکم می‌نماید». (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۸۲) با توجه به صراحتی که این آیه دارد، و حدیث نبوی که اُمّ سَلَمَه از نبی مکرم



۱. اما این کتاب را که سراسر حق است به سوی تو فرو فرستادیم، تا براساس آنچه خدا آن را به تو نمایانده است، میان مردم داوری کنی، و نباید مدافع خیانت کاران باشی.

اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت نموده است که «همانا من بشری مثل شما هستم، پس نزد من طرح دعوا می کنید، و شاید برخی از شما ادله و حجت خود را رساتر بیان کند، و من همان گونه، که می شنوم حکم می کنم؛ پس اگر حق کسی را در قضاوت به دیگری دادم، گیرنده خود باید پرهیز کند و آن را نگیرد».^۱ (قشیری نیشابوری، قرن ۱۳: ۱۳۳۷)، می توان این حق را متصور شد که شخص بتواند به منظور رساندن مقصود خود از فرد دیگری کمک بگیرد که در بیان و سخن بلیغ و فهمیم است. همچنین «در رویه و سیره ی حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) می بینیم که در تمام قضاوت های خود، دفاع متهمان را می شنید و به آنان حق دفاع می داد؛ حتی به شریح قاضی فرمان داد که برای حفظ حق مدعی علیه، به رغم وجود بینّه، با برگرداندن قسم به مدعی قضاوت را مؤکد کند».^۲ (موسوی بجنوردی، <http://www.cgie.org.ir/fa/news/9224>، ۱۳۹۲/۱۱/۱۳، ۵۳: ۸) و یا در جایی دیگر می فرماید «هر کس و کیلی را تعیین کرد، حکم به وکیل او تعلق می گیرد، و وکالت بدون حضور خصم، جایز است»^۳ (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶)، این حدیث صریحاً جواز حضور وکیل را نشان می دهد.

این در حالی است که چنانچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان نخستین سند مهم بین المللی قرن بیستم، که در واقع آغازگر توجه به انسان به خاطر عنصر وجودی وی بوده دقت نماییم، حاوی مقررّه و نصی درباره وکالت و ضرورت حضور وکیل در دادرسی نیست. البته، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به تفصیل درباره ی حق حضور وکیل در دادرسی سخن گفته است (ماده ۱۴) توجه به حق داشتن وکیل تنها محدود به این میثاق نبوده، بلکه در اکثر اسناد جهانی و منطقه ای ذکر شده است. مهم ترین این اسناد عبارتند از دو سند بین المللی "اصول بنیادین راجع به نقش وکلا و استقلال آنها معروف به اعلامیه هاوانا" و "قواعد و اصول مربوط به حداقل استانداردهای معروف به قواعد توکیو" برای

۱. «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنَّهُ يَأْتِيَنِ الْخَصْمُ فَلَعَلَّ بَعْضُكُمْ أَنْ يَكُونَ أَلْبَغُ مِنْ بَعْضٍ فَأَحْسَبُ أَنَّهُ صَدَقَ فَأَقْضِي لَهُ بِذَلِكَ فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ فَلْيَأْخُذْهَا أَوْ فَلْيَتْرُكْهَا».

۲. «مَنْ وَكَّلَ وَكِيلًا حَكِيمًا عَلَى وَكِيلِهِ وَتَجَوَّزَ الْوَكِيلُ بَعْزَ مَحْضَرٍ مِنَ الْخَصْمِ».



پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، که هر دو رهاورد سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ می‌باشند، و در واقع سازمان ملل متحد، با تنظیم و تصویب این اسناد در مجمع عمومی، بر حق دفاع برای همه‌ی افراد و از طریق وکلا و اهمیت و ضرورت این مقوله در دادرسی‌ها تأکید نموده است.

از دیگر اسناد مهم جهانی، در این زمینه می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن، کنوانسیون حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌ی آن‌ها، کنوانسیون حمایت از تمام اشخاص در مقابل ناپدید شدن‌های اجباری، کنوانسیون حقوق اشخاص معلول، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان و کنوانسیون مربوط به وضعیت اشخاص بدون تابعیت اشاره کرد. همچنین در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشر مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) حق دفاع و اهمیت آن تصریح شده است.

این حق در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مانند نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا هم مورد اشاره قرار گرفته و عملاً نیز رعایت گردیده است، و بالاخره حق داشتن وکیل در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب آن مورد تأکید قرار گرفته است.

۵. نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

نقش وکیل در احقاق حقوق متهمان در مراحل مختلف دادرسی غیر قابل انکار است و اهمیت این نقش در مرحله‌ی بدوی رسیدگی آشکارتر است. «یکی از ابعاد مهم تحولات صورت گرفته در نیمه‌ی دوم قرن بیستم در زمینه‌ی آیین دادرسی کیفری، تقویت حق دفاع متهم از طریق تسهیل شرایط دخالت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی است» (خالقی، ۱۳۹۰: ۱۴۳) اگر متهم از این حق محروم گردد ممکن است «حقوق دفاعی وی در معرض مخاطره قرار گیرد، هرچند برخی از طرفداران الگوی کنترل جرم بر این باورند که دسترسی متهم به وکیل موجب بروز اختلال در فرآیند کشف جرم و شناسایی و دستگیری



مجرمان و افشای اطلاعات محرمانه‌ی مربوط به پرونده می‌شود». (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸: ۱۳) این نظریه از دیدگاه قوانین بین‌المللی و اسلامی مردود شناخته می‌شود، زیرا داشتن وکیل در مرحله‌ی مقدماتی نقش اساسی را ایفا می‌کند، و در واقع می‌تواند شخص را از اتهام‌های بی‌پایه رهایی بخشد. (ضیایی فر، ۱۳۸۶: ۴۲۰-۴۲۱) به همین دلیل کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر حق داشتن وکیل در تمامی مراحل دادرسی از جمله مرحله‌ی مقدماتی را به رسمیت شناخته‌اند، همان‌گونه که دادگاه اروپایی حقوق بشر در این زمینه بیان داشته است که دادرسی عادلانه مستلزم حق دسترسی به وکیل در تمام مراحل بازداشت، بازجویی و تحقیقات مقدماتی است، و کمیته حقوق بشر نیز تأکید نموده که افراد دستگیر شده باید سریعاً به وکیل دسترسی داشته باشند.^۱ برخی دیگر از اسناد بین‌المللی نیز صریحاً این حق را به رسمیت شناخته‌اند، از جمله "اصول بنیادین راجع به نقش وکلا و استقلال آن‌ها" است که بیان می‌دارد «همه‌ی اشخاص حق دارند به انتخاب خود از یک وکیل کمک بخواهند تا در همه‌ی مراحل رسیدگی کیفری از حقوقشان حمایت و دفاع کند» این حق در بند اول ماده (۱۷) مجموعه اصول حمایت از همه‌ی افراد در هرگونه بازداشت یا زندان،^۲ قاعده (۹۳) از قواعد اروپایی مربوط به زندان،^۳ شق (د) بند (۴) ماده (۲۱) اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، شق (د) بند (۴) ماده (۲۰) دادگاه رواندا

1 . Concluding Observations of the HRC:Georgia, Doc. CCPR/C/79/Add.74,9 April 1997 Para.28

۲ . فرد در بازداشت باید این حق را داشته باشد که از وکیل مدافع قانونی برخوردار باشد. وی باید بی‌درنگ پس از دستگیری توسط مقامات صالح از حق خویش آگاه گشته و از امکانات در خور برای استفاده از این حق بهره‌مند شود.

۳ . زندانیانی که محاکمه نشده‌اند، به محض این که مجبوس شدند حق دارند، نماینده‌ی قانونی خود را انتخاب کرده... حق دارند با وکیل، جهت بهره‌مندی از راهنمایی‌های محرمانه وی برای دفاع از خود و آمادگی برای دفاع، ملاقات کنند.



و همچنین در شق (ج) بند (۲) ماده (۵۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۱ نیز بیان گردیده است.

رعایت حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی از چنان اهمیتی برخوردار است، که دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق اقدام شعبه‌ی بدوی خود که از حضور وکیل کارازبیج ممانعت به عمل آورده بود را نقض ماده (۴۲) اساسنامه تلقی کرد. (زاپالا، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۰) از مثال‌های دیگر در این زمینه قضیه اوجالان علیه دولت ترکیه است که در سال ۲۰۰۵ دیوان اروپایی حقوق بشر رأی نهایی آن را صادر کرد و به دلیل عدم رعایت موازین مختلف از جمله حقوق متهم در دسترسی به وکیل و ممانعت از ایفای نقش مؤثر وکیل در تحقیقات پرونده، دولت ترکیه متخلف شناخته شد. (ضیایی فر، ۱۳۸۶: ۴۳۰)

در مورد زمان دسترسی متهمین به وکیل، اسناد بین‌المللی برای سریع‌ترین زمان ممکن دسترسی به وکیل سعی در تعیین ملاک داشته‌اند، از جمله این اسناد اصل (۷) اصول بنیادین نقش وکلا^۲ اشعار می‌دارد در سریع‌ترین زمان ممکن که نباید از ۴۸ ساعت تجاوز نماید. همین امر در ماده (۶) پیمان نامه اروپایی حقوق بشر، بند (۲) ماده (۸) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز مندرج است. پس «امکان دسترسی به وکیل صرفاً در اوضاع و احوال استثنایی که باید در قانون تعیین شده باشد ممکن است به تأخیر افتد، دسترسی فرد بازداشت شده به وکیل صرفاً در شرایط استثنایی که در قانون یا مقررات قانونی مشخص و تعیین گردیده و مقامات قضایی یا دیگر مسئولین آن را به منظور تأمین امنیت و نظم عمومی ضروری بدانند باید محدود یا معلق بشود» (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۶۲)، اما باید گفت استاندارد زمان دسترسی به وکیل بلافاصله پس از دستگیری است. گفتنی است ماده (۴۸) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته که «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند

۱... از مشاوره‌ی حقوقی شخص مورد نظر خود برخوردار شود، یا اگر مشاور حقوقی ندارد، در هر شرایطی که برای حفاظت از عدالت ضروری است، برای وی مشاور حقوقی تعیین گردد....

۲. به علاوه دولت‌ها باید تضمین کنند همه‌ی افراد بازداشت یا توقیف شده چه متهم به جرم باشند یا نباشند، دسترسی فوری به وکیل داشته و این در هیچ موردی نباید بیش از ۴۸ ساعت از زمان بازداشت باشد.





تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارایه دهد. تعیین حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، به موجب این مقرر نیاز به تأمل دارد. همچنین تبصره ای که طی اصلاح قانون یاد شده به ماده (۴۸) افزوده شده، آزادی انتخاب وکیل در مرحله ی تحقیقات مقدماتی را در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، محدود کرده است، به این نحو که طرفین دعوا تنها می توانند وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشند انتخاب کنند. اگر چه به نظر می رسد این محدودیت به منظور حفظ امنیت و مصالح عمومی مورد نظر تدوین کنندگان این مقرر بوده است، لکن بهتر است این دغدغه را به طریق دیگری مانند محول کردن امر به کانون های وکلا پاسخ داد.

همان گونه که قبلاً اشاره شد در اسلام مهم ترین نص قرآنی در این زمینه آیه شریفه ۱۰۵ سوره مبارکه نساء است، که برخی مفسران گفته اند این دلیل جواز دفاع و حمایت از غیر خائن است، بنابراین می توان وکالت غیر را در دفاع از اتهامات بر عهده گرفت. (فخار زاده طوسی، ۱۳۹۱: ۴۰۲) البته این مسأله صرفاً محدود به همین آیه نبوده بلکه سیره ی معصومین نیز به عنوان منبعی معتبر به شناسایی حق وکیل پرداخته است. به طوری که گذشت، در باب حق داشتن وکیل، حدیثی از پیامبر توسط اُمّ سلمه نقل شده است که بر حق داشتن وکیل می توان به آن استناد جست؛ اما غنی ترین منبع در قضاوت اسلامی سیره ی علوی (علیه السلام) است؛ اصرار و تأکید پیوسته ی حضرت امام علی (علیه السلام) در قضاوت هایشان بر رعایت اصول اساسی دین اسلام زبانزد دوست و دشمن بوده است. از مواردی که در سیره ی حضرت (علیه السلام) بیانگر پذیرش صریح حق داشتن وکیل در اسلام است حدیثی می باشد که مورد قبول اهل سنت و تشیع بوده و آن توکیل عقیل و عبدالله ابن جعفر توسط حضرت علی (علیه السلام) است که حسب آن ایشان «عقیل را نزد خلیفه ی دوم وکیل نمود و به او فرمود: آنچه به نفع او حکم کنی به نفع من است و آنچه





علیه او حکم کنی علیه من می‌باشد» و عبدالله بن جعفر را نزد عثمان وکیل ساخت. (ابن قدامه، ۲۰۰۹: ۲۰۵)

پایان بخش حقوق اسلام و غرب

عقل نیز به عنوان منبع استنباط همواره مورد توجه فقهای عظام بوده است، آنها این حجت درونی را به عنوان منبع چهارم پذیرفته‌اند. در موضوع مورد بحث عقل حکم می‌کند با پیچیده شدن مسایل حقوقی به ویژه در امور کیفری، متهم در دفاع از خود برای رفع اتهام وارده که مستلزم آگاهی از قوانین و مسایل حقوقی است، از وجود وکیل مدافع بهره‌مند شود، زیرا از آنجا که بنا بر نص صریح آیات و روایات، حفظ آبروی مؤمن از واجبات مهم شناخته می‌شود،^۱ پس حق دفاع که مقتضای صیانت از حیثیت و آبروی شخص است، از حقوق ذاتی و اساسی و غیر قابل سلب تلقی می‌گردد که دارای مبنای ضرورت عقلی و شرعی است. از طرفی، بنا یا سیره‌ی عقلا در اصول فقه از مبانی استنباط و اجتهاد شمرده شده است. اعتماد به بنای عقلا، طریقه‌ی خردمندان است (باقی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۸) در نظر عقلا، شخصی که در مظان اتهام قرار گرفته به دلیل فشارهای روحی و روانی که بر وی وارد می‌آید و عدم دسترسی وی به محیط بیرون، توانایی دفاع احسن را از دست خواهد داد. در نتیجه وجود شخصی خبره و کاردان که به نیابت از وی عمل نماید الزامی است.

بر پایه‌ی روایتی که سرخسی از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نقل کرده رویه بر این بوده که برای حضور نزد قضات وکیل می‌گرفته‌اند. از زمان حضرت پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تا زمان ما روال بر همین بوده و هیچ کس اعتراض نکرده و از آن منع ننموده است. به ویژه در زمان حضرت امام علی (علیه‌السلام) این روش رواج داشته است. (سرخسی، بی‌تا: ۴) می‌توان گفت وکالت در زمان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) و حضرت امام علی (علیه‌السلام) دارای مبنای عرفی بوده است. (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۶۲)

با این وجود، در زمینه‌ی حق داشتن وکیل در اسلام نظرات شاذی نیز بیان شده است، که منکر حق داشتن وکیل بوده و این امر را نامشروع دانسته‌اند، از جمله می‌توان به نظرات



۱. در حرمت آبروی مؤمن از جمله می‌توان به آیات شریفه ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه نور و ۱۲ از سوره مبارکه حجرات اشاره کرد.

ماوردی در «الاحکام السلطانیه»، دکتر ابوسلیم خادم حسین در کتاب «المحاماه فی الشریعه الاسلامیه» و دکتر عبدالله عزام در کتاب «العقیده و اثرها فی بناء الجیل» اشاره کرد. ابن عابدین در کتاب خود موسوم به «حاشیه»، نظری بینابین را ابراز نموده است با این مضمون که اعمال حق وکیل برای متهم در جرایم سنگین و سخت، مانند حدود، مانعی ندارد. چون اگر شخص به تنهایی به دفاع از خود بپردازد، ممکن است به دلیل این که توان دفاع در مقابل اتهامات علیه خود را ندارد، به رغم بی گناهی محکوم گردد. (عابدین، بی تا: ۱۱۶)

۶. حق برخورداری از وکیل تسخیری

برخی فقها حق انتخاب وکیل را ناشی از تسلط انسان بر سرنوشت خویش دانسته‌اند، «متهم می‌تواند حق دفاع در دادگاه را به وکیل منتخب خود واگذار نماید، متهم آزاد است هر کس را می‌خواهد برای خود به عنوان وکیل به دادگاه معرفی کند. این مقتضای اطلاق ادله‌ی وکالت و ادله‌ای است که دلالت می‌کند انسان به طور کلی بر سرنوشت خویش مسلط است». (منتظری، ۱۳۸۵: ۸۸-۸۹؛ مطهری، ۱۳۷۲: ۳۸۶-۳۸۷) اما از آن جا که گاه ممکن است افراد توان مالی کافی برای تأمین هزینه‌های دفاع و پرداخت حق الوکاله را نداشته باشند، نهاد وکالت تسخیری به منظور حل این مشکل شکل گرفته است. (ضیایی‌فر، ۱۳۸۶: ۴۲۴) در مورد پرداخت هزینه‌های وکیل تسخیری، ماده (۳) اصول بنیادین نقش وکلا، آن را برعهده‌ی دولت‌ها با همکاری کانون‌های وکلا قرار داده است. مطابق شق «ه» بند (۳) ماده (۸) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر حق الوکاله در چنین مواردی برعهده‌ی دولت‌ها نهاده شده است. حق برخورداری از وکیل تسخیری در برخی اسناد بین‌المللی^۱ محدود به شرط رعایت مصلحت عدالت گردیده و در باب معیار آن گفته شده است که

۱. نک: بند (الف) قاعده (۴۵) آیین دادرسی و ادله اثبات دادگاه یوگسلاوی سابق، قاعده (۴۵) آیین دادرسی و ادله اثبات دادگاه رواندا، ردیف (د) از بند (۳) ماده (۱۴) میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ردیف (ج) از بند (۳) ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.



شدت و سنگینی جرم و همچنین معسر بودن متهم ملاک است. گروهی از حقوق دانان بین المللی این شرط را محدود به دادرسی های عادلانه ملی نموده اند که قابل تعمیم به محاکمات کیفری بین المللی نیست. (فضائلی، ۱۳۹۳ ب: ۳۷۸-۳۸۱)

پایان پژوهش حقوق اسلام و فقه

اما، عدالت اساسی ترین مبنایی است که تبیین کننده ی جایگاه وکیل رایگان در محاکمات کیفری اسلامی است. شهید مطهری عدالت را به عنوان یک قاعده و از مبانی حقوق اسلامی بر شمرده است زیرا در اسلام چنانچه حکم مسأله ای بیان نشده باشد می توان آن را بر مبنای اصل عدل استنباط کرد و به اسلام نسبت داد، «زیرا شرع اسلام طبق اصلی که خود آن را تعلیم داده، هرگز از محور عدالت و حقوق فطری و طبیعی و عقلی خارج نمی شود». (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۴) ایشان «عدالت را مقیاس دین می دانند نه دین را مقیاس عدالت و می گوید: عدل حاکم بر احکام است نه تابع احکام، عدل اسلامی نیست بلکه اسلام عادلانه است». (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۴-۱۵)

با توجه به اینکه حق دسترسی به وکیل تسخیری زمانی است که شخص معسر بوده و توانایی استخدام وکیل را ندارد، این پرسش پیش خواهد آمد که آیا نظر به هزینه هایی که در اختیار قرار دادن وکیل تسخیری برای جامعه به بار خواهد آورد، الزامی برای اعمال این حق در مرحله ی تحقیقات مقدماتی وجود دارد؟

در پاسخ به این سؤال می توان گفت با توجه به ویژگی های مرحله ی تحقیقات مقدماتی که آغازگر حیات یک پرونده ی کیفری است، اگر اهمیتی بالاتر از مرحله ی دادرسی نداشته باشد، یقیناً کم اهمیت تر از آن نیست، زیرا تحقیقات مقدماتی، تأمین ادله و مانند آن نیازمند توجه فراوان است که حضور وکیل به عنوان نماینده ی متهم گامی در جهت تعادل دادرسی بوده و بر دقت کار نیز خواهد افزود. دلیل دیگر در جهت اثبات وجود وکیل در مرحله ی تحقیقات و سایر مراحل دادرسی ها، توجه به عدم آگاهی افراد نسبت به قوانین و حقوق خود است، که در مرحله ی تحقیقات مقدماتی که پرونده در حال شکل گیری است، اهمیتی دوچندان می یابد. پس عدالت ایجاب می نماید افرادی که توانایی مالی برای در اختیار گرفتن وکیل را ندارند، در مرحله ی تحقیقات مقدماتی نیز نباید از مزایای آن محروم گردند.





۷. حق داشتن وکیل در جریان بازجویی

بازجویی از مهم ترین بخش های مرحله ی تحقیقات مقدماتی است که حضور وکیل در آن برای تأمین حق دفاع متهم اهمیت حیاتی دارد. بازجویی عبارت از «هر نوع سؤال و پرسشی است که توسط یک مقام رسمی و صالح از فردی انجام می گیرد که [ادعا شده] در جرمی دخیل می باشد. بازجویی از متهم حساس ترین، دقیق ترین و مشکل ترین امر در دادرسی های جزایی است». (کریمی و رحیمی پور، ۱۳۸۸: ۳۰۲-۳۰۳) با توجه به این که در بازجویی احتمال دارد شخصی که مورد بازجویی قرار گرفته در اثر عداوت های شخصی، سیاسی و حزبی از سوی بازجو حقوقش ضایع گردد، حضور وکیل در این مرحله بنا بر شرایط مذکور الزامی است.

در این زمینه بند (۱) ماده (۶۳) قواعد دادرسی محاکم ویژه ی رواندا و یوگسلاوی سابق نیز این گونه پیش بینی کرده است «بازجویی دادستان از متهم نباید بدون حضور وکیل باشد مگر این که متهم به صورت ارادی و صریح موافقت نماید که بازجویی بدون وکیل ادامه یابد. اگر متهم متعاقباً درخواست وکیل نماید، بازجویی متوقف شده و پس از حضور وکیل مجدداً ادامه می یابد». کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر در مورد دسترسی به وکیل در زمان بازجویی تصریح کرده که «حق به مشاور حقوقی باید در اولین بازجویی اعمال شود و به منظور تضمین این که فرد مجبور به اقرار نشود و از شکنجه مصونیت یابد، تحقیقات مقدماتی متهم باید فقط با حضور وکیلش و یک قاضی انجام پذیرد». مورد قابل اشاره ی دیگر پرونده آقای حسین حبیب تسکین علیه دولت ترکیه در دیوان اروپایی حقوق بشر است که به علت همکاری با پ ک ک (حزب بلشویک - کردستان شمالی)،^۱ توسط پلیس مبارزه با تروریسم ترکیه بازداشت شده بود، و در مرحله ی بازجویی توسط پلیس و دادستانی از حضور وکیل محروم گردیده بود. در مورد این پرونده دیوان این گونه رأی داد «به استناد بند یکم و شقوق الف، ب و ج از بند سوم ماده (۶) کنوانسیون اروپایی حقوق





بشر، شاکی مدعی شده که حین دستگیری وی نزد پلیس، از حق دارا بودن معاضدت حقوقی محروم شده و اظهاراتی که در غیاب یک وکیل از وی گرفته شده، در محکومیت وی توسط دادگاه مورد استناد واقع شده است.^۱

در مورد نظام محاکمات اسلامی، با توجه به یکپارچگی مراحل دادرسی سنتی، با فرض تفکیک مراحل فرآیند قضایی نیز حقوق متهم از جمله حق داشتن وکیل، در هریک از مراحل مانند تحقیقات مقدماتی و بازجویی نیز قابل اعمال و غیر قابل تعلیق است. در این زمینه حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرمایند «پذیرفتن وکیل متهم در مرحله‌ی کشف جرم، بازجویی و تحقیقات مقدماتی خلاف مقتضای عدالت است». (موسوی خمینی، ۱۳۶۵: ۴۴۵)

نکته‌ی قابل تأمل در مورد برخورداری از وکیل در بازجویی‌ها این است که در محاکمات کیفری بین‌المللی متهم می‌تواند به طور اختیاری از حق داشتن وکیل رجوع نماید، این مقوله در ردیف (د) بند (۲) ماده (۵۵) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان شده است.

۸. رفتار حرفه‌ای وکیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی

رفتار حرفه‌ای وکیل بیانگر این مطلب است که وکیل باید با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط محاکمه بهترین و موثرترین دفاع از موکل خود را به عمل آورد و در این زمینه قصور یا تخلفی در باب دفاع از متهم یا قوانین از وی سر نزده باشد. در حقیقت، حق داشتن وکیل مستلزم آن است که متهم بتواند از وکیل دارای صلاحیت استفاده نماید، و نیز دولت‌ها تضمین کنند که متهم، در صورت ناتوانی از تأمین هزینه‌ی وکیل، بتواند از وکیلی تسخیری که قادر به دفاعی مؤثر از او باشد، برخوردار شود. این امر زمانی محقق خواهد شد که متهمین از کمک‌های وکیلی با تجربه و با صلاحیت متناسب با بزه انتسابی به منظور



1. European Court of Human Rights, ANNUAL REPORT 2007, Registry of the European Court of Human Rights, Strasbourg, 2008. http://www.governo.it/Presidenza/CONTENZIOSO/contenzioso_europeo/documentazione/Annual_Report_2007.pdf

دریافت مساعدت‌های حقوقی مؤثر برخوردار باشند. (طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۶۰) پس هدف از حق داشتن وکیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی به صرف حضور وکیل تأمین نمی‌گردد، بلکه حضور مفید و کارآمد را ایجاب می‌کند که مستلزم سعه‌ی صدر وکیل، اجازه‌ی حضور و دسترسی وی به نتایج تحقیقات و از جمله‌ی آنها دسترسی به شهود است. ماده (۶) اصول بنیادین نقش وکلا بیان می‌دارد متهم به جرم کیفری باید حق دسترسی به وکیلی با تجربه و با صلاحیت، متناسب با ماهیت جرم انتسابی را به منظور دریافت مساعدت حقوقی مؤثر داشته باشد. اهمیت این اصل در تحقیقات مقدماتی بیشتر از سایر مراحل دادرسی است، چون پیچیدگی‌های تحقیقات و دقت نظر و سعه‌ی صدر لازم، وجود یک وکیل حرفه‌ای را ایجاب می‌کند.

قواعد (۴۲) و (۴۴) آیین دادرسی و ادله اثبات دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق (مصوب ۱۲ ژوئن ۱۹۹۷)، موارد ذیل را به عنوان وظایف و رفتار وکیل شناسانده است:

الف. تعهد و پایبندی به قواعد دادرسی، سایر مقررات مربوط به رفتار حرفه‌ای و احترام به اداره‌ی منصفانه‌ی دادرسی. این امر در مرحله‌ی مقدماتی بیانگر این مطلب است که با بازپرسان همکاری نموده و آنها را در دستیابی به نتایج صحیح و درست یاری کند.

ب. الزام به عدم ارایه‌ی ادله‌ی نادرست و اظهارات کذب. صداقت وکیل در برخورد با موکل و سازمان قضایی یکی از مهم‌ترین اصولی است که در هرچه بهتر به نتیجه رسیدن پرونده یاری‌رسان است.

ج. از قبول پرونده‌هایی که ممکن است شاهد ضروری آن باشد یا سبب دشواری اساسی برای موکل گردد خودداری نماید مگر اینکه مورد اعتراض واقع نشود.

د. وکیل در همه‌ی اوقات باید به نفع موکل عمل کند و مراقب باشد که تعارض منافع پیش نیاید.

هـ. از انجام سوء رفتارهایی مانند نقض اساسنامه، قواعد دادرسی، نقش قواعد رفتار حرفه‌ای و معاونت یا تحریک عمدی برای نقض موارد یاد شده، انجام عمل مغایر شرافت و کالت، تقلب و تدلیس، رفتار مخل اجرای عدالت، خودداری کند.



ماده (۳۵) کد رفتار حرفه‌ای و کلا، ضمانت اجرای این تخلفات را بیان کرده است. (فضائلی، ۱۳۹۳: ۴۴۲-۴۴۴) دیوان بین‌المللی کیفری مواردی را به عنوان شرایط صلاحیت حرفه‌ای برشمرده است، از جمله «صلاحیت در حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری و تجربه در دادگاه‌های کیفری، همچنین لازم است مسلط به یکی از زبان‌های کاری دیوان باشد. احراز این شرایط بر عهده‌ی دبیرخانه و مسؤول تهیه‌ی فهرست و کلاهی منصوب به عنوان وکیل مدافع برای اشخاص است». (زاپالا، ۱۳۸۷: ۸۰) البته شرط تسلط وکیل به دو زبان فرانسه و انگلیسی با تقاضای متهم و به شرطی که وکیل با زبان بومی متهم آشنا باشد و هزینه‌های ترجمه را نیز پرداخت نمایند و تقاضای وقت اضافی نکنند ملغی خواهد شد.

در دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشری آرای متفاوتی جهت تأیید اقدام حرفه‌ای و کلا در مرحله‌ی مقدماتی به چشم می‌خورد. در یک مورد موکل اعلام داشته است وکیل تسخیری به وظیفه‌ی دفاع خود به نحو مؤثر عمل نکرده و دادگاه ملی ترتیب اثری نداده است.^۱ بنابراین دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ی مذکور رأی دادگاه اتریش را غیر قابل قبول دانسته و رد کرد. همچنین کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر در یکی از آرای خود اعلام کرده بود چون وکیل به تعهدات خود در دفاع مؤثر از موکلش عمل نکرده است حق بهره‌مندی از وکیل نقض شده است.^۲ در حقیقت مفاد این رأی بیانگر این مطلب است که عدم حضور حرفه‌ای وکیل یا حضور با عدم انجام اقدام مؤثر وی، رفتاری به مراتب بدتر از عدم حضور وکیل می‌باشد و اثرات این کاستی در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی شدیدتر از سایر مراحل است، زیرا گاه رفتارهای مبتدیانه و غیرحرفه‌ای وکیل، پرونده را از مسیر عدالت خارج خواهد نمود و یا این که اقدامات او سبب وارد شدن ضرر به متهم می‌شود.

از آنجا که در روزگار ظهور اسلام، حتی در قرون بعد، وکالت به صورت یک حرفه در نیامده بود و به مانند امروز نبوده که افرادی به طور خاص به این امر مهم پردازند، شاید طبیعی می‌نماید که قاعده یا حکمی در این مورد وجود نداشته باشد، اما به نظر می‌رسد می‌توان فرمانی را که برای قضاات در نظر گرفته شده قابل تعمیم بر وکلا دانست. در این



1. Guy & X v Austria. (NO7138/75), (NO8403/78) Report of 14Dec. 1981.
2. OEA/ Ser7/v/II. 62. Doc. Rev. 3,1983.



زمینه نامه حضرت امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می تواند تبیین کننده ی این مقصود باشد، آنجا که می فرماید «برای قضاوت در میان مردم بهترین را برگزین؛ کسی که از عهده ی قضاوت برآید و اصحاب دعوا نتوانند نظر خود را بر او تحمیل کنند و چون به خطای خود آگاه شود از آن باز گردد، نه آنکه بر اشتباه خود پافشاری نماید؛ طمع کار نباشد و در مواضع شک درنگ کند تا حقیقت برایش کشف شود؛ حجت و دلیل را بیش از همه فراگیرد و در کشف حقیقت از همه بردبارتر باشد و وقتی که حقیقت روشن شد از همه قاطع تر باشد. همین که موضوع را تشخیص داد در صدور حکم تأخیر نرزد و از ستایش دیگران گمراه نگردد. عده ی این گونه افراد اندک است». (فیض الاسلام، ۱۳۲۰: ۱۰۹-۱۱۰) از متن نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه می توان این ویژگی ها را برای قاضی صالح برشمرد: آگاهی و علم، عدل، سعه ی صدر، شکیبایی و تحمل در کشف حقایق و ژرف بینی، و از جمله صفات ناپسندی که قاضی نباید به آن ها مبتلا باشد می توان به پیروی از هوای نفس، طمع، بی حوصلگی در ادامه ی کشف و جستجو برای رسیدن به حقیقت، غرور و عجله در قضاوت اشاره کرد. با تنقیح مناط و بر مبنای اصول عدالت و انصاف می توان از این مصادیق به عنوان مبنایی برای رفتار حرفه ای و کلا بهره جست.

باتوجه به مطالبی که درباره رفتار حرفه ای وکیل گذشت، می توان گفت نوع اتهام شخص نباید وکیل را از پذیرش وکالت باز دارد، حتی اگر اتهام به گونه ای باشد که سبب بروز تنش یا فشار اجتماعی علیه وکیل شود و در حقیقت وکیل باید شجاعت و توانایی لازم جهت رویارویی با مشکلات احتمالی را داشته باشد. برای نمونه در پرونده های بین المللی نسل کشی، کشتار جمعی و غیره که قربانیان زیادی دارد، کسی که وکالت این گونه افراد را برعهده می گیرد، هر لحظه امکان دارد لطمه و آسیبی از سوی بازماندگان به او برسد، به خصوص در مرحله ی مقدماتی رسیدگی این احتمال بیشتر از سایر مراحل است. همچنین اگر مقام قضایی مانع از دخالت وکیل در مرحله ی تحقیق شود، وکیل باید با یادآوری حقوق متهم در این مرحله که مهم ترین آن حق داشتن وکیل است، اعلام حضور و طبعاً به محرومیت موکل از حق دفاع در مرحله ی تحقیق اعتراض نماید، و در راستای احقاق حق موکل اصرار ورزد و به این امر در مراحل بعدی دادرسی استناد نماید، و در





حقیقت باید دارای چنان سعه صدری باشد که برخورد نامطلوب یا حتی توهین آمیز مقام قضایی او را از پذیرش وکالت منصرف و یا از ادامه ی کار باز ندارد. در حقیقت وکیل حرفه ای شخصی است که به «حق دفاع» به عنوان یک ارزش والای انسانی و یکی از حقوق اساسی می نگرد، و به این حرفه دید مادی صرف ندارد و هنگامی که وی به این جایگاه والا می رسد، هیچ گاه به هیچ شخص حقیقی یا حقوقی اجازه نخواهد داد حقوق موکل وی را پایمال نماید.

۹. آثار عدم رعایت حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله ی تحقیقات

مقدماتی

در اسناد مختلف بین المللی، راجع به آثار و پیامدهای عدم رعایت حق متهم بر داشتن وکیل یا مشاور حقوقی جهت دفاع از خود در مرحله ی تحقیقات مقدماتی، به موارد متعددی اشاره شده است که تأمل در آنها ضروری می نماید. طبعاً عدم دسترسی متهمین به این حق، زمینه ساز نقض بسیاری از حقوق دفاعی متهم نظیر عدم رعایت حقوق مربوط به دوران بازجویی خواهد شد. عدم دسترسی متهم به وکیل، وی را از دستیابی به دفاع خوب از خود طی فرایند دادرسی محروم خواهد کرد. از این رو ضمانت اجرای این حق از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود.

امروزه در محدوده ی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، عدم رعایت حق برخورداری از وکیل و احراز تخلف یک دولت از ماده (۶) پیمان نامه ی اروپایی حقوق بشر، جدای از تأثیر گذاری بر آرای صادره در سطوح ملی، موجب احراز مسئولیت حقوقی دولت متخلف برای جبران خسارت وارده به قربانی نقض حقوق بشر می شود، که این روند کنترلی و اصلاحی شایسته ی تأمل و بهره برداری است. (ضیایی فر، ۱۳۸۶: ۴۳۰) در آرای صادره از این نهاد قضایی منطقه ای حقوق بشر، عدم دسترسی به وکیل و عدم ایفای نقش مؤثر وکیل مبنای احراز تخلف و محکومیت دولت متخلف گردیده و رأی به آزادی



شخص متهم داده شده است.^۱ همچنین، این نهاد بازجویی‌هایی را که بدون حضور وکیل صورت پذیرد را فاقد اعتبار دانسته و دولت‌هایی را که به اعترافات اخذ شده در چنین بازجویی‌هایی ترتیب اثر داده باشند متخلف معرفی می‌نماید و کسانی را که به این شیوه متهم می‌گردند بری از اتهام دانسته است.^۲ همچنین در مورد دسترسی متهمین به وکیل تسخیری ضمن قبول این حق برای متهمینی که استطاعت اختیار وکیل را ندارند دولت‌ها را مکلف می‌نماید و کیلی در اختیار آن‌ها قرار دهند که توانایی دفاع مؤثر و مفید را از موکل داشته باشد، در غیر این صورت نباید علیه آن‌ها حکم صادر شود. Rodley Nigel & Matt (Pollard, 1999; 328-329)

۹-۱. شیوه‌های جبران خسارت ناشی از عدم رعایت حق برخورداری از وکیل

در اصول و رهنمودهای اساسی درباره‌ی حق دادخواهی و جبران خسارت برای قربانیان موارد نقض فاحش حقوق بشر و نقض شدید حقوق بشردوستانه راهکارهایی برای جبران خسارت پیشنهاد شده که عبارتند از:

- الف. اعاده‌ی وضع سابق تاحد امکان، که شامل برگرداندن آزادی، برخورداری از حقوق بشر، هویت، زندگی خانوادگی و شهروندی، بازگشت به محل سکونت شخص، برگرداندن کار و برگشت اموال است.
- ب. پرداخت غرامت برای هر خسارتی که از نظر اقتصادی قابل ارزیابی است، آن‌گونه که مناسب و متناسب با شدت نقض و شرایط ناشی از نقض باشد مانند آسیب جسمی یا روانی؛ فرصت‌های ازدست‌رفته، از جمله اشتغال و آموزش و پرورش و مزایای اجتماعی؛ خسارات مادی و از دست رفتن درآمدها شامل از دست دادن امکان بالقوه‌ی کسب درآمد؛ زیان اخلاقی و معنوی؛ هزینه‌های لازم برای مساعدت حقوقی یا کارشناسی، و نیز دارو و خدمات پزشکی، خدمات روانی و اجتماعی.

1 . Case of Öcalan v. Turkey, Application No. 46221/99, Judgment, Strasbourg, 12 May 2005.
2 . European Court of Human Rights, Annual Report 2007, Registry of the European Court of Human Rights, Strasbourg, 2008. http://www.governo.it/Presidenza/CONTENZIOSO/contenzioso_europeo/documentazione/Annual_Report_2007.pdf.



ج. ترمیم و بازپروری، شامل مراقبت پزشکی و روانی و خدمات حقوقی و اجتماعی باشد.

د. جلب رضایت در موارد ممکن، که شامل تحقق هر یک یا تمامی موارد زیر باشد: تدابیر و مقررات مؤثر به منظور توقف نقض‌های مداوم، تأیید حقایق و افشای کامل و علنی حقایق، به حدی که چنین افشاگری باعث آسیب بیشتر نشود یا ایمنی و منافع قربانی، اقوام قربانی، شاهدان، یا اشخاصی را که مداخله کرده‌اند تا به قربانی مساعدت کنند یا مانع از وقوع نقض‌های بیشتر شوند را به خطر نیندازد؛ اعلامیه‌ی رسمی یا رأی و تصمیم قضایی برای اعاده‌ی شرف، اعتبار و حقوق قربانی و وابستگان نزدیک او؛ عذرخواهی رسمی و علنی، از جمله اذعان به حقایق و پذیرش مسئولیت؛ مجازات قضایی و اداری اشخاص مسؤول ارتکاب نقض‌ها.

هـ) تضمین‌هایی برای عدم تکرار، هر جا عملی باشد، باید شامل هر یک یا کلیه تدابیر و اقدامات زیر باشد که به پیشگیری نیز کمک خواهد کرد: ۱- تضمین رعایت ضوابط و معیارهای مربوط به تشریفات قانونی، انصاف و بی‌طرفی در تمامی محاکمات برای رسیدگی به دعاوی مدنی، کیفری و نظامی؛ ۲- تقویت استقلال قوه قضاییه؛ ۳- حمایت از اشخاص شاغل در حرفه‌های قضایی، پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی، رسانه‌ها و سایر حرفه‌های مرتبط، و مدافعان حقوق بشر. البته شیوه‌های جبران خسارت محدود به این روش‌ها نیست.

۹-۲. ضرورت جبران خسارت از دیدگاه اسلام

در اسلام ضرورت احقاق حقوق افراد امری بدیهی است که جامعه باید در راه دستیابی به این هدف یاری نماید، و حق افراد در برخورداری از دادرسی منصفانه در اولویت است. خداوند متعال در آیه شریفه ۲۶ سوره مبارکه ص (صاد)، درباره‌ی حضرت داود نبی (علیه السلام) علاوه بر مسئولیت رسالت، مسئولیت قضاوت بین مردم را نیز در زمره‌ی وظایف وی بر شمرده است، و به وی امر فرموده است بر اساس حق و عدلت قضاوت نماید، و آرای خود را مبتنی بر اصول و احکام الهی قرار دهد و از حکم کردن بر پایه‌ی امیال و منافع شخصی شدیداً دوری گزیند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۹) البته باید گفت با توجه به



اعتقاد به معصوم بودن پیامبران، خطاب به حضرت داود در این آیه‌ی شریفه جنبه‌ی تمثیلی دارد و خداوند سبحان در صدد تفهیم این قاعده است که اولاً قضاوت صرفاً باید بر پایه‌ی اصول و دستورات الهی باشد و دیگر اینکه حکمی که بر پایه‌ی قانون نباشد پذیرفته شده نیست. این موارد به خوبی نشان می‌دهد عدول و نقض حقوق فرد در دادرسی، جبران خسارت برای وی و توییح برای قاضی متخلف را در پی خواهد داشت. در حقوق اسلام، بر مبنای قاعده لاضرر هیچ شخصی اعم از حقوقی و حقیقی مجاز نیست لطمه‌ای به جسم، روح و اموال افراد جامعه وارد آورد، اما وقتی شخص از دسترسی به وکیل محروم می‌ماند و خود نیز نسبت به قانون و حقوق خود ناآگاه است، طبعاً اثرات روحی، روانی، جسمی و اقتصادی منفی برای وی در پی خواهد داشت. پس وجود چنین قاعده‌ای دلالت بر پذیرش حق افراد برای دستیابی به جبران خسارت ناشی از نقض حقوق آنها است. حق جبران خسارت ناشی از عدم دسترسی به وکیل بر مبنای سیره‌ی عقلی قابل پذیرش است.

در پایان اشاره به این نکته شایسته است قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران در تبصره ماده (۱۹۰) ضمانت اجرای محرومیت از حق داشتن وکیل را بی‌اعتباری تحقیقات انجام شده دانسته بود، اما در اصلاح این تبصره، این ضمانت اجرا جای خود را به مجازات انتظامی مقام سلب کننده‌ی حق داده است، به این معنا که سلب حق برخورداری از وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم لطمه‌ای به اعتبار تحقیقات انجام شده نمی‌زند. به نظر می‌رسد مناسب بود در کنار افزودن مجازات انتظامی برای مقامات سالب حق، دست کم بازبینی اعتبار تحقیقات انجام شده مورد توجه قرار می‌گرفت.

نتیجه گیری

حق برخورداری از وکیل از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین حقوق دفاعی متهم است که باید در همه‌ی مراحل دادرسی رعایت شود. اهمیت این حق به حدی است که حتی اگر همه‌ی حقوق متهم، غیر از حق داشتن وکیل رعایت شده باشد، امکان دفاع خوب را از دست خواهد داد. این حق در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی اهمیتی به مراتب بیشتر و بالاتر نسبت به سایر مراحل دادرسی دارد، که ناشی از چند دلیل است: اولاً در این مرحله پرونده‌ی شخص



در حال شکل‌گیری است و هرگونه اشتباه یا غرض‌ورزی عواقب ناگواری برای وی در پی خواهد داشت؛ ثانیاً اشخاص به دلیل اتفاقات پیش‌آمده دچار فشارهای ناشی از بازداشت و تعقیب قضایی خود هستند و همچنین ناآگاهی آنان نسبت به حقوق خود و قوانین، منجر به واکنش‌هایی خواهد شد که تبعات ناگواری برای شخص در ادامه دادرسی در پی خواهد داشت.

حق داشتن وکیل اعم از تسخیری و اختیاری و همچنین آثار عدم حضور و لزوم جبران خسارات ناشی از عدم اجازه و تحمل حضور و مشارکت وکیل به طور کامل و شامل، در نظام دادرسی اسلامی و حقوق بین‌المللی بشر پذیرفته شده است. اما توجه به این واقعیت دارای اهمیت است که شناسایی این حق در حقوق و جامعه بین‌المللی محصول بین‌المللی شدن حقوق بشر در نیمه‌ی دوم قرن بیستم بوده است، این در حالی است که در نظام قضایی اسلام از همان ابتدای ظهور این آیین آسمانی بر پایه‌ی ارزش‌ها و موازین انسانی الهی، حقوق انسان‌ها به مفهوم واقعی کلمه مورد تصدیق و تأکید قرار گرفته و حق دفاع متهم در فرآیند دادرسی از مؤلفه‌های اساسی امر خطیر قضا به شمار رفته است و از آنجا که تمایزی بین مراحل مختلف دادرسی ملحوظ نبوده است با توجه به ملاک اصلی حق برخورداری از وکیل، بهره‌مندی از این حق در جریان تحقیقات و بازجویی‌ها از اهمیت ضرورت بیشتری برخوردار است. اما، موضوعی که به نظر می‌رسد در عمل اهمیتی بیشتر از شناسایی اصل یک حق دارد تضمین رعایت آن حق است. بدیهی است بهترین تضمین رعایت حقوق، پیش‌گیری از نقض آن است که مستلزم اعمال نظارت‌ها و کنترل‌های مؤثر بر عملکرد مقامات دخیل در فرآیند تحقیقات مقدماتی است. اما از سوی دیگر، با توجه به ویژگی‌هایی مانند محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی و افزایش احتمال نقض، الزام به جبران اهمیت بیشتری می‌یابد، ضمن این که کاربست جبران‌های مؤثر می‌تواند نقش پیشگیرانه نیز داشته باشد. در مورد طرق جبران نیز می‌توان گفت بهترین نوع جبران بی‌اعتبار دانستن تحقیقات به عمل آمده‌ی توأم با نقض حق متهم است. با این همه، توجه به ابعاد گوناگون قضایای کیفری، ملاحظه‌ی حقوق طرف‌های مختلف در هر پرونده اعم از اشخاص حقیقی، حقوقی و مصالح و منافع جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است.





منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آخوندی، محمود، ۱۳۸۸ش، آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چ ۱۴، ج ۱-۵.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۵ش، آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چ ۷، ج ۲.
۳. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی چا، ج ۱۲.
۴. ابن قدامه مقدسی، شمس الدین عبدالرحمن، ۲۰۰۹م، مغنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی چا، ج ۵.
۵. اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۰ش، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چ ۲۴، ج ۱.
۶. باقی، عماد الدین، تیرماه ۱۳۹۳ش، وکالت: نهادی مدنی یا حکومتی؟، مجله مهرنامه، ش ۳۶.
۷. براری لاریمی، محمد و تقی قبولی در افشان، سید محمد، ۱۳۸۹ش، حقوق متهم با رویکردی فقهی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲.
۸. بی نام، ۱۳۲۷ش، وکالت دعاوی، مجله کانون وکلا، ش ۱.
۹. جالینوسی، احمد و نجف پور، سارا، ۱۳۸۶ش، مفهوم عدالت در اسلام و غرب، مجله دانش سیاسی، ش ۵.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۴.
۱۱. خالقی، علی، ۱۳۹۰ش، آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش، چ ۱۳.
۱۲. خوری شرتونی، سعید، ۱۹۸۹م، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، بیروت، مرسل سیو عیه، چ ۲، ج ۲.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ش، لغت نامه، تهران، سیروس، بی چا.





۱۴. زاپالا، سالواتور، ۱۳۸۷ش، حقوق بشر در محاکمات کیفری، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، انتشارات دانشگاه شهید چمران، چ ۲.
۱۵. سرخسی، محمد بن احمد، بی تا، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، بی چا، ج ۱۹.
۱۶. شفیق العانی، محمد، ۱۹۵۰م، اصول المرافعات و الصکول فی القضاء الشرعی: مدخل الفقه العام، بغداد، مطبعة العانی، بی چا، ج ۲.
۱۷. صالح قبائلی، سعد حماد، ۲۰۰۵م، حق المتهم فی الاستعانة بمحام دراسه مقارنه، قاهره، دار النهضة، بی چا.
۱۸. ضیایی فر، محمد حسین، ۱۳۸۶ش، مجله حقوق اساسی، ش ۸.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۳ش، تفسیر المیزان، تهران، موسسه اسماعیلیان، چ ۵.
۲۰. طه، فریده و اشرفی، لیلا، ۱۳۸۶ش، دادرسی عادلانه، تهران، بنیاد حقوقی میزان، بی چا.
۲۱. عابدین، محمد امین، بی تا، رد المحتار علی الدر المختار: حاشیه ابن عابدین و یلیه قره عیون الأخیار و تقریرات الرافعی، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، ریاض، دارالعالم الکتب، بی چا، ج ۸.
۲۲. فخار زاده طوسی، جواد، ۱۳۹۱ش، حقوق متهمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بی چا.
۲۳. فرجیها، محمد و مقدسی، محمد باقر، ۱۳۸۸ش، دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی، مجله پژوهشهای حقوقی، ش ۱۶.
۲۴. فرید وجدی، محمد، بی تا، دایره المعارف القرن العشرين، بیروت، دارالفکر، بی چا، ج ۱۰.
۲۵. فضائی، مصطفی، ۱۳۹۳ش، جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضایی اسلام، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۱.
۲۶. _____، ۱۳۹۳ش، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی، تهران، مؤسسه مطالعاتی شهر دانش، چ ۳.
۲۷. فیض، علیرضا، ۱۳۶۳ش، مبادی فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی چا.



۲۸. فیض الاسلام، علینقی، ۱۳۲۰ق، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر
معارف اهل البيت عليهم السلام، بی‌جا.

۲۹. قشیری نیشابوری، ابی الحسین مسلم، قرن ۱۳ق، صحیح مسلم، بیروت، دارالافتاء
الجديدة، ج ۳.

۳۰. گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۸۸ش، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران،
نشر جنگل، ج ۳.

۳۱. ماوردی، علی بن محمد، ۲۰۰۲م، احکام السلطانیه، بیروت، دارالفکر، بی‌جا.

۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲ش، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، بی‌جا.

۳۳. موسوی خمینی [امام]، سید روح الله، ۱۳۶۸ش، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و
نشر آثار الامام الخمينی، بی‌جا، ج ۱-۲.

34. American Convention on Human Rights, (1978).

35. Basic Principles on the Role of Lawyers, (1990).

36. Case of Öcalan v. Turkey, (2005), Application No. 46221/99, Judgment, Strasbourg.

37. Concluding Observations of the HRC: Georgia, (1997), Doc. CCPR/C/79/Add.74,9.

38. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, (1953).

39. European Court of Human Rights, Annual Report (2007), Registry of the European Court of Human Rights, Strasbourg. (http://www.governo.it/Presidenza/CONTENZIOSO/contentzioso_europeo/documentazione/Annual_Report_2007.pdf).

40. European Court of Human Rights, Annual Report (2007), Registry of the European Court of Human Rights, Strasbourg, 2008. http://www.governo.it/Presidenza/CONTENZIOSO/contentzioso_europeo/documentazione/Annual_Report_2007.pdf.

41. European Court of Human Rights, Annual Report (2007), Registry of the European Court of Human Rights, Strasbourg, 2008. http://www.governo.it/Presidenza/CONTENZIOSO/contentzioso_europeo/documentazione/Annual_Report_2007.pdf.

42. Guy & Xv Austria, (1981), (NO7138/75), (NO8403/78) Report of 14 Dec.

43. Hunt, John, (2007), Working with Barristers, 2nd Edition, THE LAW SOCIETY OF NEWSOUTH WALES, available at: <https://www.lawsociety.com.au/cs/groups/public/documents/internetcontent/026515.pdf>.



44. International Covenant on Civil and Political Rights, (1966), (entered into force: 1979).
45. OEA/ Ser7/v/II, (1983), 62. Doc, Rev. 3.
46. Rodley Nigel & Matt Pollard, (1999), the Treatment of Prisoners.
47. Rules of Procedure and Evidence of the International Tribunal for Rwanda, (1995).
48. Rules of Procedure and Evidence of the International Tribunal for Former Yugoslavia, (adopted on 11 Feb. 1994 and amended several times to 2009).
49. Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (Standard Minimum Rules), (1977).
50. Statute of the International Criminal Court, (1998).
51. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda (Rwanda Statute), (1994).
52. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (Yugoslavia Statute), (1993).
53. Under International Law, (1999.), Oxford University, Oxford.
54. UN Rules for the Protection of Juvenile Deprived of Their Liberty, (1990).
55. UN Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (the Beijing Rules), (1985).
56. Universal Declaration of Human Rights (Universal Declaration), (1948).



پیشرو دانش حقوق اسلام و فقه

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

